

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

۲

بازسازی‌ها تکلیف دولت است

گفتگوی «نوبنیاد» با علی بهادری جهرمی درباره
مسئولیت حقوقی بازسازی‌ها و جبران خسارات جنگ



نامعادله بازگشایی هرمز

عراقچی روز گذشته از بازگشایی کامل تنگه هرمز در ازای
آتش بس در لبنان خبر داد

صفحه ۱۱

فرهنگی

آتش بس لبنان، دست‌آورد میدان

۶

دوربین را از این جماعت بگیرید!

صفحه ۱۱

سیاست خارجی

داده‌ها نشان می‌دهد؛

بازار نفت آرام نمی‌گیرد؛ باز شدن هرمز آغاز پایان بحران نیست

از تنگه هرمز تا حق هسته‌ای؛ خطوط قرمزی که نباید در
مذاکره گم شوند

تنگه قابل معامله نیست

باب‌المنندب تنگه‌ای که معادلات آمریکا را برهم می‌زند

باب‌المنندب فقط یک تنگه باریک میان دریای سرخ و خلیج عدن نیست؛ این گذرگاه، یکی از حساس‌ترین شریان‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک جهان است که نبض تجارت جهانی در آن می‌تپد. براساس برآوردها، روزانه بین ۶ تا ۷ میلیون بشکه نفت از این مسیر عبور می‌کند و نزدیک به ۱۲ درصد تجارت دریایی جهان، به ویژه کالاهای استراتژیک، از این گلوگاه حیاتی می‌گذرد. در چنین معادله‌ای، قرار گرفتن یمن در ضلعی از این تنگه، یک موقعیت ژئوپلیتیکی استثنایی را رقم زده است. یمن امروز به واسطه حاکمیت نیروهای انقلابی و مردمی انصارالله به یکی از تعیین‌کننده‌ترین بازیگران امنیت دریای سرخ تبدیل شده است.

متن کامل در صفحه ۷

گفتگوی «نوبنیاد» با علی بهادری جهرمی درباره مسئولیت حقوقی بازسازی‌ها و جبران خسارات جنگ

بازسازی‌ها تکلیف دولت است

تصریحات قانونی تکالیف دولت برای حمایت از بازسازی‌ها با دکتر علی بهادری جهرمی، حقوقدان و سخنگوی دولت شهید رئیسی گفتگو کرده‌ایم.

مواضع اخیر برخی مقامات ارشد دولت چهاردهم مبنی بر عدم تعهد دولت نسبت به پرداخت خسارات مردم آسیب دیده از جنگ انتقادبرانگیز شده است. در این رابطه و همچنین



امیرحسین درکی

روزنامه نگار

برخی مقامات دولتی، موضوع محدودیت منابع مالی دولت برای جبران خسارات را مطرح کرده‌اند؛ توضیح شما در این باره چیست؟

این بحثی که مطرح شد که منابع محدودیت وجود ندارد واقعاً حرف غیرقابل پذیرشی است. بالاخره بودجه کل کشور چند هزار میلیارد تومان است؛ دولت باید با تغییر اولویت، منابع را به سمت اولویت ضروری جدید سوق بدهد.

کسی که دستش بشکند، یا فرزندش مریض بشود، نمی‌گوید: «من پیش بینی این هزینه درمان را برای فرزندم نکرده بودم، الان پول ندارم، نمیتوانم پول درمانش را بدهم، بگذار دستش شکسته باشد بماند.»

بلکه از یک هزینه دیگری میزند که قبلاً پیش بینی کرده بود، و می‌آید فعلاً اولویت را به این میدهد که پای فرزندش درمان بشود. همین منطق در حکمرانی هم کاملاً بدیهی و جزو مسلمات حکمرانی است که فعلاً باید اولویت‌ها رعایت شود. اگر دولتی بخواهد هزینه‌ای انجام بدهد روش‌های پیدا کردن منبع، یکی و دوتا نیست. روش‌های متعددی میتواند وجود داشته باشد که دولت بتواند از آن منبعی را برای جبران خسارت پیدا بکند.

انتظار عقلایی همه مردم ایران این است که چنین خسارت‌هایی در رأس اولویت‌های هزینه‌گذاری عمومی قرار بگیرد. لذا اینکه ما الان در این سطوح عمومی اعلام کنیم منبعی نداریم، طبیعتاً برای عموم مردم پذیرفته شده نیست.

من سؤال می‌پرسم: اگر یک مقام دولتی - خدای نکرده - منزل شخصی خودش هم در این تجاوز نظامی تخریب شده بود، آیا همین قاعده حکم میکرد که بگوید ما منبع نداریم جبران خسارت بکنیم و مردم برونند از جیب خودشان جبران خسارت بکنند؟ این روش، روش حکمرانی نیست.

مسئوبین و معاونین (یعنی کسانی که کمک کردند و زمینه‌سازی کردند). همه این خسارت‌ها قابل مطالعه و پیگرد است؛ چه در سطح محاکم داخلی و چه در سطح داخل سایر کشورهایی که میزبان این مباشرین یا مسببین هستند.

با توجه به اینکه امکان شکایت و پیگیری حقوقی شهروندان و بخش‌های خصوصی از متجاوزین به کشور در محاکم بین‌المللی وجود ندارد، تکلیف جبران خسارت در این حد چه می‌شود؟

در موضوعات مشابه - مثل سیل، یا کشتارهایی که به صورت عمومی اتفاق می‌افتد، یا مثلاً فرض کنید قتلی اتفاق بیفتد و قاتل مشخص نباشد - در منابع فقهی و قوانین خودمان داریم که این خسارت‌ها از بیت‌المال یا اموال عمومی کشور پرداخت می‌شود. موضوع جنگ هم همین معنا را دارد.

هیچ شهروندی اصولاً در حالت عادی، به تنهایی امکانش را ندارد که مثلاً همان خلبانی که مباشر مستقیم پرتاب موشک بوده، یا متولی تسلیحات در ناو دشمن را، شناسایی کند و بعد بتواند در محکمه‌ای تابع آن کشور یا در محاکم بین‌المللی علیه او طرح دعوا کند. ما نمی‌توانیم منتظر بمانیم تا پرونده‌های داخلی یا بین‌المللی به نتیجه برسد، بعد منتظر بمانیم تا اجرای حکم صورت بگیرد، و تازه آن وقت جبران خسارت برای مردم انجام شود. این عملاً غیرممکن است.

در نتیجه، دولت باید هم برای دریافت غرامت از طرف مباشر خارجی و هم برای ثبت شکایت در محاکم بین‌المللی، به عنوان قائم‌مقامی از مردم و شرکت‌ها اقدام کند. امروز هم طبیعتاً دولت باید از منابع عمومی فعلاً باید خسارت‌های آن‌ها را پرداخت کند. لذا امروز دولت مکلف است فرایندی پیش‌بینی کند که مردم بیایند آنجا اعلام کنند، ارزیابی شود و جبران صورت بگیرد.

درباره انواع خسارات مردم در جنگ رمضان و همچنین مسئول جبران آن، اخیراً بحث‌های مختلفی مطرح شده است. از نظر شما، این خسارت‌ها در چند دسته قابل بررسی است و مسئولیت جبران آن با کدام نهاد است؟

خسارت‌های مختلفی در این ایام جنگ به مردم وارد شده است. مرحله اول خسارت‌های مادی که ناشی از آسیب دیدن اموال مردم است؛ اعم از اماکن مسکونی، چه خودروهایشان، چه اموال تجاریشان مانند مغازه‌ها و کسب و کارها است.

موضوع دوم خسارت‌های معنوی که به مردم وارد شده است؛ مانند ناراحتی‌ها و به هم ریختگی‌های ناشی از شهادت رهبر انقلاب، یا فشار معنوی و روانی ناشی از شهادت ۱۶۰ دانش‌آموز در مدرسه میناب.

نکته سوم موضوع دیه و غرامت‌های ناشی از کشتار است. به طور خلاصه، ماسه دسته کلان خسارت داریم که وارد شده است.

جبران این خسارت‌ها طبیعتاً بر عهده واردکننده است؛ چه مباشر مستقیم (یعنی آن کسی که ضربه را زده) و چه



ظلم مضاعف در حق شهروندان

نکته مهم در جبران خسارت این است که دولت نباید برای این کار یک فرایند حقوقی تعریف کند. به هیچ وجه در رابطه میان دولت و مردم در شرایط فعلی و با توجه به کثرت خسارت‌ها، نباید فرایندهای حقوقی و قضایی را دخیل کرد. بلکه این موضوع نیاز به یک فرایند اداری دولت باید یک فرایند اداری متمرکز برای جبران خسارت‌ها در نظر بگیرد در غیر این صورت شهروندان که در این جنگ آسیبی دیده‌اند، چند برابر رنج این خسارت را باید تحمل کنند تا طی چند سال، منابع مالی جهت جبران خسارت اموال و منازل خود را دریافت کرده و اقدام به بازسازی منازل خود کنند. این یک ظلم مضاعف در حق شهروندان خواهد بود و نباید صورت بگیرد.

خبر کوتاه

قالیباغ: لبنان جزء لاینفک آتش بس همه جانبه است

رئیس مجلس شورای اسلامی در گفتگو با فرمانده ارتش پاکستان گفت: امیدوارم کسانی که جنگ را شروع کردند و امروز به شدت به دنبال توقف آن هستند، رفتارهای بی‌اعتماد ساز گذشته را به‌طور واقعی در کردار و عمل خود پایان دهند. وی همچنین افزود: لبنان جزء لاینفک آتش بس همه جانبه است و نقش مهمی در حرکت رو به جلو برای صلح پایدار در منطقه دارد.

طحان نظیف: نتایج صلاحیت داوطلبان انتخابات میان دوره‌ای مجلس اعلام شد

سخنگوی شورای نگهبان، از پایان رسیدگی به اعتراضات داوطلبان نخستین دوره انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی خبر داد و گفت: «نتایج نهایی به وزارت کشور ارسال شد.» وی ادامه داد: با بررسی‌هایی که ما در شورای نگهبان داشتیم، صلاحیت ۱۶۵ نفر از داوطلبان انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی برای ۵ حوزه انتخابیه تأیید شد.

اعلام فهرست‌های انتخاباتی به وزارت کشور

با اعلام وزارت کشور مبنی بر ارائه فهرست نامزدها از سوی احزاب و تشکل‌های سیاسی در هفتمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهرستان که به صورت تناسبی برگزار خواهد شد، جبهه پایداری انقلاب اسلامی فهرست ۲۱ نفره خود را به وزارت کشور در مهلت مقرر قانونی اعلام نموده است. این فهرست شامل مدیرانی با سابقه مدیریت حوزه شهری یا حضور در شورای شهر، چهره‌های ملی، نمایندگان سابق مجلس، و مدیرانی با سابقه خدمت در دولت‌های نهم و دهم و شهیدرئیسی می‌باشد.

اطلاعات سپاه: مقاومت ۱۸ ماهه لبنان، محاسبات غلط دشمن را اصلاح کرد

سازمان اطلاعات سپاه در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: مقاومت ۱۸ ماهه لبنان در کنار حمایت میدانی جمهوری اسلامی ایران، جبهه آمریکایی-صهیونی را وادار به اصلاح محاسبه مجدد کرد. ارزیابی جامعه اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌گوید: پیروزی در جنگ با جبهه متحد مقاومت غیرممکن است.

جمشیدی: اهداف آمریکا تغییر نکرده است

معاون امور سیاسی دفتر ریاست جمهوری دولت سیزدهم در گفتگوی تلویزیونی شبکه خبر گفت: قطعاً آمریکا دنبال فریب است و برنامه اصلی آن نظامی است و مسائل مربوط به مذاکره پوششی است برای کارهای دیگر از قبیل عملیات ویژه، ترور، اقدامات نظامی و حمله مجدد. آتش بس راه فراری برای آمریکا بود و این ساده‌لوحی است که فکر کنیم دستور کار آمریکا عوض شده است، آمریکا اهدافش تغییر نکرده است.

پویش جانفدا ۲۷ میلیونی شد

شمار شرکت‌کنندگان در پویش جانفدا از ۲۷ میلیون نفر عبور کرد و این عدد کامکان رو به افزایش است.

بیعت دختران جانفدای ایران با رهبر انقلاب

اجتماع و رزمایش بزرگ دختران جان فدای ایران در راستای بیعت دختران ایران با رهبر انقلاب به مناسبت میلاد حضرت فاطمه معصومه و روز دختر در خیابان انقلاب از میدان آیینی امام حسین به سمت چهار راه ولیعصر در روز جمعه ۲۸ فروردین ماه برگزار شد. این راهپیمایی از ظهر جمعه آغاز شد و شاهد حضور پرشمار دختران دهه هشتادی و دهه نودی بود که پرچم ایران در دست داشتند و با سریندهای «یا زینب (س)» و «جانم فدای ایران» به خیابان آمده بودند. میدان آیینی امام حسین (ع)، میدان فردوسی و خیابان ولیعصر تهران کانون تجمع رزمایش بزرگ دختران تبدیل بود. «ما شاگردان سید علی خامنه‌ای در مدرسه شجره طیبه ایران تربیت یافته‌ایم جان فدای ایرانیم»، «سلام و درود خدا بر یکایک دختران سرافراز و قدرتمند با عظمت ایران» و «دختر معنای اساس و قلب تمدن جامعه است»؛ از جمله دست نوشته‌هایی جالب مرلسم دیروز بود.

حضور دختران پشت ادوات نظامی، رژه بانوان از مقابل جایگاه و همچنین فضا سازی اجزای مختلف رزمایش به رنگ صورتی از جمله جلوه‌های جالب توجه مراسم دیروز بود. حجت الاسلام در مراسم اظهار داشت: امروز دلکلمه‌آبانی در خیابان‌های کشور به دستور مزدوری با اخذ مبالغی ناچیز به ساحات عفاف و حجاب حمله می‌کنند و حریم اخلاقی جامعه را به مخاطره انداخته‌اند و باید شدیدترین برخوردها با آنها صورت گیرد. وی همچنین افزود: دشمنان ما متوجه شده‌اند برای ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی باید از راه تغییر فرهنگ و ضعیف کردن حجاب وارد شوند.



عراقچی روز گذشته از بازگشایی کامل تنگه هرمز در آتش بس در لبنان خبر داد

نامعاده بازگشایی هرمز

در شرایطی که انتقادات و مطالبات نسبت به تحقق آتش بس در لبنان و توقف تجاوزات رژیم صهیونیستی به حزب الله به عنوان یکی از دو پیش شرط ایران برای حضور در مذاکرات اسلام آباد مطرح بود، روز گذشته پس از گذشته حدود یک هفته از مذاکرات، عراقچی از بازگشایی کامل تنگه هرمز خبر داد و آن را در آتش بس در لبنان عنوان کرد. به نظر می‌رسد در موضوع بازگشایی تنگه هرمز، یک نامعاده شکل گرفته که در آن آمریکا یک امتیاز را دو بار به ایران فروخته است.

جعفر کاظمی

روزنامه نگار

لبنان، بازگشایی تنگه هرمز خواهد بود. به عبارتی ما اکنون شاهد شکل گیری یک نامعاده در جریان مذاکرات هستیم؛ به گونه‌ای که عملاً آمریکا، یک امتیاز (آتش بس در لبنان) را دو بار به ایران فروخته است؛ یکبار برای حضور هیات مذاکره کننده ایرانی پای میز مذاکره در اسلام آباد و یکبار هم در آتش بس در لبنان.

عصر روز گذشته عباس عراقچی وزیر خارجه اعلام کرد: «در پی اعلام آتش بس در لبنان، عبور و مرور تمامی کشتی‌های تجاری از طریق تنگه هرمز برای باقیمانده دوره آتش بس به طور کامل آزاد اعلام می‌شود. وی افزود: این تردد باید در مسیر هماهنگ شده و از پیش اعلام شده توسط سازمان بنادر و دریانوردی جمهوری اسلامی ایران انجام گیرد.»

علاوه بر این، نتایج متاثر از بازگشایی تنگه هرمز هم تا حدودی امتیازات راهبردی ایران در جنگ را تحت الشعاع قرار داده است. سقوط قیمت نفت جهانی و در ادامه روایت‌های جانبدارانه ترامپ در پی این تصمیم برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی را می‌توان در همین موضوع فهرست کرد.

ساعتی پس از توییت عراقچی، یک مقام ارشد نظامی در گفتگو با خبرگزاری صد اوسیمیا تأکید کرد: تردد شناورهای نظامی از تنگه هرمز کماکان ممنوع است. این مسئول در سخنان خود که به نظر می‌رسد با هدف اصلاح توییت عراقچی بیان شده، همچنین تأکید کرد: صرفاً شناورهای غیر نظامی از مسیرهای تعیین شده و با اجازه نیروی دریایی سپاه می‌توانند تردد کنند. شناورهای غیر نظامی صرفاً باید

به مجرد انتشار این توییت، انتقاداتی به نوع اطلاع رسانی مسئولان و در جریان اخبار قرار گرفتن مردم منتشر شد؛ اما مهمترین آن انتقادات به مبنای معادله‌ای بود که در توییت عراقچی ترسیم شد. آتش بس در لبنان، یکی از دو پیش شرط رئیس مجلس شورای اسلامی برای حضور در مذاکرات اسلام آباد بود که البته با خلف وعده قابل انتظار طرف آمریکایی در موعد مقرر نیز انجام نشد.

چرا که از ابتدا با عنوان «پیش شرط مذاکرات» مطرح بود و با این حال نه پیش از شروع مذاکره که حدود یک هفته پس از انجام مذاکرات اسلام آباد عملی شد. با این حال تاکنون هیچ یک از مقامات رسمی کشورمان و حتی طرف متخاصم نیز این ادعا را نداشتند که مابه‌ازای آتش بس در



از مسیر تعیین شده سازمان بنادر و دریانوردی ایران تردد کنند.

انتقاد شدید حامد کاشانی

این شیوه اطلاع رسانی مسئولان به مردم، به گونه‌ای است که گویی بخشی از دشمن، می‌خواهد مردم را عصبانی کند. این میزان بی‌احترامی به مردم که مجاهدانه پای کار ایستاده‌اند، خجالت‌آور است. واقعاً متأسفم.

همچنین قطعاً همچنان از اهرم مسدود کردن تنگه هرمز باید استفاده شود. «ایشان همچنین در بخشی از پیام‌شان درباره جنگ تحمیلی سوم تأکید کرده بودند: «حتماً مدیریت تنگه هرمز را به مرحله جدیدی وارد خواهیم نمود.»

خبر کوتاه

جلیلی: نظم جدید را فرزندان مقاومت رقم خواهند زد

سعید جلیلی پیرامون آتش بس در لبنان در پیامی نوشت: رژیم منحوس صهیونی عملیات به شهادت رساندن سید مقاومت نصرالله را «نظم جدید» نامید. همان زمان پاسخ داده شد «نظم جدید را فرزندان مقاومت رقم خواهند زد». امروز جهان به خوبی گواهی می‌دهد که نظم جدید را نه آمریکا و رژیم صهیونی که گفتمان پیروز و مقتدر مقاومت تعیین می‌کند. نیروهای مقاومت به پشتوانه مردم و آزادگان جهان در ایران، لبنان و... اراده خود را بردشمن زبون تحمیل می‌نمایند و این هنوز از نتایج سحر است.

منصوری: در همه مولفه‌های جنگ، پیروز قطعی هستیم

معاون اجرایی شهید رئیسی در دولت سیزدهم در اجتماع مردمی قزوین گفت: برخلاف فضا سازی‌های غربگراها، ما در همه مؤلفه‌های دخیل در جنگ، پیروز قطعی هستیم؛ در مؤلفه نظامی، دشمن می‌گفت ظرف چند روز کار را تمام می‌کند اما اشتباه کرد و بینی اش به خاک مالیده شد. در مؤلفه فرهنگی، گسست اجتماعی را دنبال می‌کردند اما دیدید چه انسجامی در کشور شکل گرفت. وی همچنین افزود: در موضوع مرزها، بحث تجزیه ایران را هدف گذاری کرده بودند اما دیدید مردم استان‌های مرزی چطور پای کار ایران عزیز ایستاده‌اند و میدان داری کردند.

ثابتی: اخبار مبهم مذاکرات را برای مردم روشن کنید

نماینده مردم تهران در مجلس گفت: اطلاع قطعی دارم که یکی از خطوط قرمز رهبر جدید انقلاب، عدم مذاکره با آمریکا درباره موضوع هسته‌ای بوده. لذا آقایان قالیباف و عراقچی باید به مردم توضیح دهند اخباری که در رسانه‌های داخلی و خارجی پیرامون مذاکره درباره تعلیق غنی سازی و یا رقیق سازی اورانیوم انجام شده درست است یا خیر؟ اگر دروغ است رسماً تکذیب کنید.

نبویان: با فشار ایران و ضربات حزب الله آتش بس در لبنان برقرار شد

نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در مطلبی در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: ترامپ و نتانیاهو خیبت در صلح صوری با دولت لبنان به دنبال از بین بردن حس پیروزی از جریان مقاومت بودند در حالی که همگان می‌دانند اعلام آتش بس در لبنان به علت فشار ایران و ضربات خردکننده حزب الله قهرمان بود و آن دو شیطان مجبور به پذیرش آتش بس شدند.

پاسدانت

علی باقری: شهید خرازی از ارکان سیاست خارجی ایران بود

معاون بین الملل شورای عالی امنیت ملی روز گذشته در حاشیه مراسم هفتمین روز شهادت سید کمال خرازی که در مسجد الغدیر تهران گفت: این شهید بزرگوار فردی عمیق در عرصه سیاست خارجی بود و از ارکان سیاست خارجی ایران محسوب می‌شد و همواره بر تأمین منافع ملی کشور تأکید داشت. وی افزود: شهید خرازی متدین، انقلابی و پایبند به اصول نظام جمهوری اسلامی ایران بود و بر استفاده حداکثری از ظرفیت دیپلماسی برای ارتقای شرایط کشور تأکید داشت.

عدد خبر
۵۰ درصد
جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی باعث شده حدود یک سوم از تجارت دریایی جهانی کود، به ویژه اوره و آمونیاک که از مسیر تنگه هرمز عبور می‌کنند، به بازارهای هدف نرسد. قیمت اوره در این مدت با رشد ۵۰ درصدی نسبت به قبل از جنگ در بازار جهانی به ۷۲۰ دلار در هر تن رسیده است در حالی که پیش از جنگ، قیمت اوره میانگین ۴۵۰ دلار بود. افزایش قیمت اوره باعث رشد هزینه کود می‌شود و کود در برخی محصولات ۳۰ الی ۵۰ درصد از قیمت تمام شده است. ادامه این وضعیت، تولید را ۵ تا ۱۰ درصد کاهش می‌دهد و به افزایش حدود یک تا دو درصد در تورم غذایی جهانی منجر می‌شود.

عدد خبر
۴۹ هزار تومان
رئیس کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس شورای اسلامی از تعیین قیمت خرید تضمینی گندم به ۴۹ هزار و ۶۵۰ تومان به ازای هر کیلوگرم برای سال جاری خبر داد و گفت: با توجه به بارش‌های مطلوب امسال، تأمین گندم مورد نیاز کشور قطعی است. محمدجواد عسگری افزود: قیمت تضمینی گندم به عنوان یک محصول راهبردی، با احتساب مبلغ ۶۵۰ تومانی بیمه در مجموع حدود ۵۰ هزار تومان برای هر کیلوگرم می‌شود. حمایت از کشاورزان و تضمین خرید محصولات راهبردی با قیمت مناسب، از اولویت‌های مجلس و دولت است و امسال نیز این مهم با قیمت‌گذاری منصفانه محقق شده است.

عدد خبر
۴۰ درصد
جدیدترین گزارش‌های آماري مؤسسه بین‌المللی کپلر حاکی از ریزش ناگهانی و چشمگیر صادرات نفت خام عربستان سعودی در اوایل سال جاری میلادی است. بر اساس این داده‌ها، میانگین صادرات روزانه عربستان در ماه مارس ۲۰۲۶ با تجربه یک افت تاریخی، به مرز ۴ میلیون بشکه سقوط کرده است. این ریزش در حالی رخ می‌دهد که عربستان در فوریه همین سال، روزانه بیش از ۷ میلیون و ۱۰۸ هزار بشکه نفت روانه بازارهای جهانی کرده بود. تحلیل این ارقام نشان‌دهنده یک کاهش ۴۰ درصدی تنها در بازه زمانی ۳۰ روزه است. در سال‌های اخیر، جریان صادراتی این کشور همواره در کانالی فراتر از ۵.۵ میلیون بشکه در روز تثبیت شده بود.

عدد خبر
۵۰ درصد
جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی باعث شده حدود یک سوم از تجارت دریایی جهانی کود، به ویژه اوره و آمونیاک که از مسیر تنگه هرمز عبور می‌کنند، به بازارهای هدف نرسد. قیمت اوره در این مدت با رشد ۵۰ درصدی نسبت به قبل از جنگ در بازار جهانی به ۷۲۰ دلار در هر تن رسیده است در حالی که پیش از جنگ، قیمت اوره میانگین ۴۵۰ دلار بود. افزایش قیمت اوره باعث رشد هزینه کود می‌شود و کود در برخی محصولات ۳۰ الی ۵۰ درصد از قیمت تمام شده است. ادامه این وضعیت، تولید را ۵ تا ۱۰ درصد کاهش می‌دهد و به افزایش حدود یک تا دو درصد در تورم غذایی جهانی منجر می‌شود.

با نگاهی به مؤلفه‌های اقتصاد تاب‌آور؛

چرا اقتصاد ایران در جنگ اخیر دچار فروپاشی نشد؟

تاب‌آوری اقتصادی به طور مشخص عبارت است از ظرفیت یک نظام اقتصادی برای جذب اختلالات، بازتوزیع منابع و بازگشت به مسیر رشد پایدار بدون تغییرات بنیادین در ساختارهای اجتماعی و سیاسی؛ در مورد ایران، باید گفت اقتصاد کشور در جنگ اخیر (تاب‌آوری غیرفعال) از خود نشان داد؛ یعنی رشد نکرد یا جهش نیافت، اما از سقوط آزاد آن جلوگیری شد؛ این نوع تاب‌آوری بیشتر مبتنی بر عادت به شرایط سخت و انباشت تجربه بحران است تا بر پایه نوآوری و انعطاف‌پذیری نهادی.

الف) پیش شرط تحریم: نکته پارادوکسیکال این است که تحریم‌های فلج‌کننده سال‌های اخیر (به ویژه از سال ۲۰۱۸ به بعد) اقتصاد ایران را به وضعیتی عادت داد که در قالب آن بسیاری از مسیرهای طبیعی تجارت و مالی قبلاً مسدود شده بود. به عبارت دیگر، اقتصاد ایران پیش از جنگ، از بسیاری از وابستگی‌های معمول به نظام مالی سوئیفت، بنادر اروپایی و کشتی‌رانی مبتنی بر بیمه‌رها شده بود. جنگ جدید حداقل در هفته‌های اخیر هنوز نتوانسته شوکی بزرگ‌تر از تحریم‌های حداکثری ایجاد کند. اقتصاد ایران در دوران تحریم «تاب‌آوری اجباری» را تمرین کرده بود: توسعه صادرات غیرنفتی، روی آوردن به کشورهای همسایه و اوراسیا، شکل‌گیری بازارهای موازی ارز و طلا، و رشد اقتصاد غیررسمی در این زمینه تأثیرگذار بود.

ب) مدیریت تقاضا و کنترل تورم نسبی: برخلاف انتظار، جنگ اخیر منجر به جهش انفجاری تورم نشد. دلیل آن بود که بانک مرکزی از قبل با ابزارهایی مانند تخصیص ارز ترجیحی برای کالاهای اساسی، فروش اوراق و کنترل ترانزنامه بانک‌ها، تخصیص کالا بزرگ و نظارت بر بازار انتظارات تورمی را تا حدودی مدیریت کرده بود. مردم نیز به دلیل تجربه جنگ هشت ساله، جنگ ۱۲ روزه و تحریم‌ها، از هجوم به فروشگاه‌ها خودداری کردند. (ج) انباشت ذخایر استراتژیک: ایران در ماه‌های پیش از جنگ، ذخایر گندم، روغن، دارو و سوخت را به سطح بی‌سابقه‌ای افزایش داد. این امر از بروز شوک قیمتی و ناامنی غذایی جلوگیری کرد.

د) محافظت از زیرساخت‌های کلیدی با تاب‌آوری اقتصادی به طور مشخص عبارت است از ظرفیت یک نظام اقتصادی برای جذب اختلالات، بازتوزیع منابع و بازگشت به مسیر رشد پایدار بدون تغییرات بنیادین در ساختارهای اجتماعی و سیاسی؛ در مورد ایران، باید گفت اقتصاد کشور در جنگ اخیر (تاب‌آوری غیرفعال) از خود نشان داد؛ یعنی رشد نکرد یا جهش نیافت، اما از سقوط آزاد آن جلوگیری شد؛ این نوع تاب‌آوری بیشتر مبتنی بر عادت به شرایط سخت و انباشت تجربه بحران است تا بر پایه نوآوری و انعطاف‌پذیری نهادی.



دکتر احسان موحدیان
کارشناس اقتصادی

اقتصاد مقاومتی که از بیانات رهبر شهید انقلاب نشأت گرفته، براهدافی چون «تولید داخلی، دانش‌بنیان، جهادی، مردم‌پایه و کاهش وابستگی به نفت» تأکید دارد. شباهت این نام‌گذاری با مقوله تاب‌آوری در نکاتی مانند خودتکایی، مقاومت در برابر تحریم و اولویت‌دلدن به تأمین کالاهای اساسی است.

اما تفاوت در این است که تاب‌آوری یک مفهوم فنی و عمدتاً کوتاه‌مدت است (مقابل با شوک)، در حالی که اقتصاد مقاومتی یک راهبرد بلندمدت توسعه با بار ارزشی و سیاسی به شمار می‌رود. با این حال در جنگ اخیر هرچند برخی زیرساخت‌های نظامی، انرژی، پتروشیمی، فولاد و تأسیسات هسته‌ای هدف قرار گرفت، اما اقتصاد کلان ایران دچار شوک مرگبار نشد. علل این تاب‌آوری نسبی را می‌توان در چند عامل جست.

گزارش کوتاه

اموال بلوکه‌شده ایران چقدر است؟

وبگاه قطری الجزیره انگلیسی به موضوع دارایی‌های بلوکه‌شده ایران در خارج پرداخت و نوشت: در حالی که رقم دقیق این دارایی‌ها مشخص نیست، گزارش‌های رسمی ایران و کارشناسان مجموع دارایی‌های مسدود شده ایران در خارج را بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند.

فردریک اشنايدر، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در شورای خاورمیانه در امور جهانی به الجزیره گفت: این دارایی‌ها حدود سه برابر درآمد سالانه ایران از فروش هیدروکربن هاست. این رقم بسیار قابل توجهی است، به ویژه برای جامعه‌ای که دهه‌ها تحت تحریم‌های به رهبری آمریکا قرار داشته است. او افزود: مشخص نیست که آیا آمریکا، حتی در صورت آزادسازی این دارایی‌ها، استفاده از آن‌ها را مشروط خواهد کرد یا نه؟ به گفته اشنايدر، ایران قطعاً به این دارایی‌ها نیاز فوری دارد؛ اما ایران با توجه به سابقه بسیار پیچیده تحریم‌ها و کمبود متخصصان در طرف آمریکایی برای مذاکره درباره جزئیات، بدبین است.

جیکوب لو، وزیر خزانه داری در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، در سال ۲۰۱۶ گفت بود که حتی اگر همه تحریم‌ها برداشته شوند، باز ایران قادر نخواهد بود به تمام دارایی‌های مسدود شده خود در خارج دسترسی پیدا کند. در آن زمان، ایران با آمریکا و دیگر کشورها به توافقی مهم دست یافته بود که برنامه هسته‌ای‌اش را محدود می‌کرد و در مقابل، تحریم‌ها کاهش می‌یافت. لویه کنگره گفته بود که در واقعیت، ایران در بهترین حالت فقط به حدود نیمی از این دارایی‌ها دسترسی خواهد داشت، زیرا بقیه آن‌ها قبلاً برای سرمایه‌گذاری‌های وعده داده شده یا بازپرداخت وام‌ها اختصاص یافته‌اند.

میلیاردها دلار دارایی مسدود شده ایران در یک شبکه پیچیده در سراسر جهان توزیع شده‌اند و چین با ۲۰ میلیارد دلار به عنوان بزرگ‌ترین احتکارکننده ظاهر شده است و پس از آن هند با ۷ میلیارد دلار، عراق ۶ میلیارد دلار، آمریکا ۲ میلیارد دلار و ژاپن ۱.۵ میلیارد دلار قرار دارند. بازاریابی این دارایی‌ها به ایران این توانایی را می‌دهد که نوسانات ارزی را کنترل کند و از شوک‌های اقتصادی جلوگیری کند. همچنین، تهران به این نقدینگی برای بازسازی آنچه جنگ ویران کرده است، نیاز دارد.

داده‌ها نشان می‌دهد؛

بازار نفت آرام نمی‌گیرد؛ باز شدن هرمز آغاز پایان بحران نیست

بازگشایی موقت تنگه هرمز پس از ۵۰ روز اختلال در تردد کشتی‌ها، هرچند باعث فروکش کردن هیجان اولیه بازار و سقوط قیمت نفت تا محدوده ۸۰ دلار شد، اما تحلیل داده‌ها و روندهای ساختاری بازار انرژی نشان می‌دهد بازگشت قیمت‌ها به شرایط قبل از بحران

نیازمند چند ماه زمان است. علت این تأخیر نه فقط رفع نشدن کامل ریسک ژئوپلیتیک، بلکه آسیب‌های عمیق وارد شده بر زنجیره صادرات، لجستیک و زیرساخت‌های انرژی است؛ آسیب‌هایی که اثر آنها بسیار طولانی‌تر از انسداد یک مسیر دریایی خواهد بود.



نیماسهیلی

روزنامه نگار

سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه کشورمان عصر دیروز در تویییتی اعلام کرد که «در پی اعلام آتش‌بس در لبنان، عبور و مرور تمامی کشتی‌های تجاری از طریق تنگه هرمز برای باقیمانده دوره آتش‌بس به‌طور کامل آزاد اعلام می‌شود. این تردد باید در مسیر هماهنگ شده و از پیش اعلام شده توسط سازمان بنادر و دریانوردی جمهوری اسلامی ایران انجام گیرد.»

با توجه به اینکه چند روز به پایان زمان آتش‌بس موقت نمانده است، اما اعلام بازگشایی موقت تنگه هرمز و احتمال مذاکره دوباره ایران و آمریکا در پاکستان سبب زیرش شدید قیمت نفت شد؛ به طوری که قیمت نفت تا لحظه تنظیم این گزارش به محدوده ۸۰ دلار در هر بشکه رسید. اما بررسی داده‌ها، گزارش نهادهای تخصصی و روندهای عمیق تر بازار نشان می‌دهد که کاهش قیمت فعلی، بیشتر یک واکنش هیجانی به باز شدن مسیر است و بازگشت پایدار بازار نفت به شرایط قبل، احتمالاً ماه‌ها زمان خواهد برد. دلیل این تأخیر، مجموعه‌ای از عوامل ساختاری شامل سقوط بی‌سابقه عرضه، افزایش هزینه‌های ریسک، آسیب زیرساخت‌های انرژی و اختلالات گسترده در حمل‌ونقل دریایی است که اثر آنها به سرعت از میان نمی‌رود.

افت ۱۱ میلیون بشکه‌ای اوپک پلاس

بر اساس داده‌های موسسه «کپلر»، بازار جهانی انرژی در چهار ماه نخست سال ۲۰۲۴ با یکی از شدیدترین شوک‌های عرضه در تاریخ مدرن روبه‌رو شده است. صادرات اعضای ائتلاف اوپک پلاس که از سال ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۵ در محدوده

نسبتاً باثبات ۲۷ تا ۳۱ میلیون بشکه در روز نوسان داشت، در فوریه ۲۰۲۴ به اوج ۳۰.۶ میلیون بشکه رسید؛ اما هم‌زمان با آغاز جنگ رمضان و ناامنی گسترده در مسیرهای دریایی تنگه هرمز، این رقم با سقوطی کم‌سابقه به ۱۹.۵ میلیون بشکه کاهش یافت. افت بیش از ۱۱ میلیون بشکه‌ای، حتی از دوران رکود ناشی از کرونا نیز شدیدتر بوده و نشان‌دهنده فلج شدن بخشی از زیرساخت‌های حیاتی انتقال انرژی در منطقه است. علت بنیادین این بن‌بست انرژی، بروز تنش‌های نظامی مستقیم و به تبع آن، ناامنی یا انسداد گلوگاه‌های حیاتی ترانزیت، به‌ویژه تنگه هرمز، ارزیابی می‌شود. تحلیلگران معتقدند حتی با باز شدن تنگه هرمز، جبران این کاهش عرضه نیازمند زمان قابل توجهی خواهد بود.

هم‌زمان، وضعیت ذخایر نفتی کشورهای عضو OECD نیز نگرانی‌های تازه‌ای ایجاد کرده است. گزارش‌های اخیر نشان می‌دهد سطح ذخایر تجاری این کشورها روبه‌کاهش است و اگر روند افت صادرات اوپک پلاس ادامه یابد، احتمالاً این ذخایر نیز در ماه‌های آینده تحت فشار شدید قرار خواهند گرفت. این تضمین نشده بودن سمت عرضه و کاهش هم‌زمان ذخایر، یکی از دلایل اصلی پیش‌بینی افزایش دوباره قیمت نفت در افق میان‌مدت است. تحلیلگران تأکید دارند که بازار جهانی انرژی با ترکیبی از «شوگ عرضه» و «ریسک تداوم دار ژئوپلیتیک» مواجه است؛ وضعیتی که تنها با عبور چند کشتی از یک تنگه حساس برطرف نمی‌شود.

جهان برای افزایش قیمت انرژی آماده شود

فاتح بیرو، مدیر اجرایی آژانس بین‌المللی انرژی نیز در گفت‌وگویی با

خبرگزاری فرانسه هشدار داد که بازگشت تولید و صادرات انرژی منطقه به سطح پیش از جنگ، حدود دو سال زمان نیاز دارد. به گفته فاتح بیرو، بیش از ۸۰ تأسیسات کلیدی انرژی آسیب دیده‌اند و بیش از یک سوم آنها به‌طور «شدید» تخریب شده‌اند؛ وضعیتی که حتی بازگشایی مسیرهای ترانزیت دریایی را از اثر بخشی می‌اندازد، زیرا نفتی برای انتقال وجود ندارد یا ظرفیت تولید آن مختل شده است. بیرو همچنین گفته است که بازار جهانی باید خود را برای نوسانات طولانی مدت قیمت آماده کند. گلدمن ساکس نیز در تحلیلی اعلام کرده که خسارت فعلی به عرضه نفت حدود ۱۰ تا ۱۱ میلیون بشکه در روز برآورد می‌شود، در حالی که کاهش تقاضا تنها می‌تواند حدود ۳ میلیون بشکه از این افت را جبران کند. به این ترتیب، بازار حتی با فرض ثبات نسبی، همچنان با کمبود عرضه مواجه خواهد بود؛ کمبودی که دیر یا زود خود را در قیمت‌ها نشان می‌دهد. دان استروویون، یکی از مدیران ارشد تحقیقات کالاها جهانی گلدمن ساکس نیز تأکید کرد که بهبود جریان نفت از طریق تنگه هرمز زمان می‌برد.

در مجموع، با وجود بازگشایی تنگه هرمز و کاهش قیمت نفت، داده‌ها نشان می‌دهد که بازار انرژی هنوز وارد دوره جدیدی از ثبات نشده است. آسیب‌های گسترده به زیرساخت‌ها، ازدحام دریایی، کاهش شدید عرضه اوپک پلاس و افزایش ماندگار هزینه‌های ریسک، عواملی هستند که بازگشت قیمت نفت به شرایط قبل از بحران را حداقل برای چندین ماه غیرمحمتمل می‌کنند. بازار نفت در حال عبور از یک دوره گذار تاریخی است؛ دوره‌ای که شاید قیمت‌ها کاهش یابد، اما آرامش و قطعیت گذشته دیگر به‌سادگی بازگشت‌پذیر نیست.

گزارش کوتاه

بانک‌ها

جریمه دیرکرد می‌گیرند

دولت و بانک مرکزی طی هفته‌های اخیر بر لزوم همراهی شبکه بانکی در دوره جنگ و تعویق اقساط تسهیلات تأکید کرده‌اند؛ با این حال، تعویق اقساط و حذف جریمه دیرکرد همچنان در حد بخشنامه باقی مانده است و بسیاری از مشتریان می‌گویند بانک‌ها مانند گذشته از آن‌ها جرایم تأخیر را مطالبه می‌کنند. بخش قابل توجهی از کسبه و واحدهای تولیدی که در ماه‌های گذشته با اقساط درآمد روبه‌رو شده‌اند، انتظار داشتند تصمیمات حمایتی دولت حداقل بخشی از فشار اقتصادی‌شان را کاهش دهد، اما تماس‌های مکرر شعب بانکی برای یادآوری سررسید اقساط و دریافت دیرکرد، خلاف وعده‌های رسمی را ثابت می‌کند.

یکی از مشتریان بانک می‌گوید برای ۷ روز تأخیر در پرداخت قسط ۵.۶ میلیون تومانی، بیش از ۴۷ هزار تومان جریمه پرداخت کرده است. با این حال، طبق بخشنامه بانک مرکزی، تأخیر در بازپرداخت تسهیلات خرد تا سقف ۷۰۰ میلیون تومان در بازه ۹ اسفند ۱۴۰۴ تا ۹ خرداد ۱۴۰۵، دیگر باعث کاهش امتیاز اعتباری افراد نخواهد شد. مشتری دیگری می‌گوید حتی برای یک روز تأخیر در پرداخت قسط یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومانی، جریمه پرداخت کرده است.

علیرضا نثاری عضو کمیسیون عمران مجلس نیز تأکید کرد: در حال حاضر محاسبه جرایم دیرکرد اقساط وام‌ها و همچنین جرایم مربوط به چک‌های برگشتی کاملاً متوقف و صفر در نظر گرفته شده است. دستورالعمل به تمامی بانک‌های کشور ابلاغ شده و تا پایان اردیبهشت ماه سال جاری اعتبار دارد و بر اساس شرایط احتمالاً تمدید خواهد شد. او افزود: اگر بانکی این بخشنامه را رعایت نکرده و اقدام به اخذ جریمه کند، مرتکب تخلف شده و این موضوع از سوی دستگاه‌های نظارتی قابل پیگیری است.

خبر کوتاه

کدام محدودیت‌های چک‌های برگشتی تعلیق شد؟

مدیرکل نظارت احتیاطی کلان بانک مرکزی با اشاره به ابلاغ بخشنامه بانک مرکزی به بانک‌ها در مورد رفع محرومیت‌های قانونی چک در ایام جنگ رمضان، گفت: اگر صادرکننده چک، معادل اصل مبلغ چک در حساب خود موجودی نداشته باشد، چک برگشت زده می‌شود و اگر شخص توان مالی برای پرداخت چک (در سایر حساب‌ها و حساب جاری) نداشته باشد، مسدودی حساب برای تأمین مبلغ چک انجام می‌شود، اما محرومیت‌های ناشی از چک برگشتی شامل عدم افتتاح حساب جدید، عدم صدور چک، عدم صدور کارت بانکی جدید، عدم دریافت تسهیلات، عدم ایجاد تعهدات جدید، عدم ثبت چک جدید و یا صدور دست چک جدید انجام نمی‌شود. بابک حبیب‌زاده افزود: مسدودسازی حساب‌های بانکی صادرکننده چک به خاطر اینکه اصل نظام چک از کار نیفتد و چرخه اقتصاد به کار خود ادامه دهد، انجام می‌شود. البته با توجه شرایط اضطراری حادث شده در کشور، اگر شخصی توانایی مالی پرداخت چک صادرشده خود را نداشت، محرومیت‌های اشاره شده، تعلیق می‌شود. همچنین صادرکننده چک پس از تأمین مبلغ چک از طریق شعب بانک صادرکننده چک می‌تواند نسبت به رفع سوءاثر چک اقدام کند.

بازار نفت به روند گذشته برمی‌گردد؟

روزنامه نیویورک در تحلیلی نوشت: شوک ناشی از بسته شدن تنگه هرمز، نقطه پایانی بر تصور پایداری همیشگی زنجیره تأمین جهانی انرژی بود و بازارهای نفت «هرگز به روال گذشته باز نخواهند گشت».

این گزارش تأکید می‌کند حتی در صورت آرام شدن درگیری‌ها، هزینه‌های بیمه، حمل‌ونقل و لجستیک به سطوح قبلی برنخواهند گشت و یک «حق بیمه ریسک دائمی» برای نفت خاورمیانه ایجاد شده است؛ حتی که پیش از بحران نیز وجود داشت اما اکنون در ساختار قیمت‌گذاری تثبیت می‌شود. در همین حال بلومبرگ نیز از ۲۵ برابر شدن حق بیمه عبور کشتی از تنگه هرمز خبر داد و گزارش داد: حق بیمه ریسک جنگی برای عبور یک کشتی از تنگه هرمز از ۴۸ هزار دلار به ۱.۲ میلیون دلار رسید.

بین الملل

آتش سوزی در بزرگترین ناو آمریکا؛ سه نظامی زخمی شدند

تارنمای مؤسسه نیروی دریایی آمریکا گزارش داد که ناو هواپیمابر یواس اس دوایت دی. آیزنهاور (CVN-۶۹) این هفته در کارخانه کشتی‌سازی نیروی دریایی نورفولک در پورترسموث، ایالت ویرجینیا، دچار آتش سوزی شد. سخنگوی نیروی دریایی ایالات متحده در گفت‌وگو با این رسانه با تأیید وقوع حریق در روز سه‌شنبه، آن را یک (آتش سوزی کوچک) توصیف کرد. وی افزود که نیروهای کشتی و پرسنل کارخانه کشتی‌سازی نیروی دریایی نورفولک بلافاصله آتش را مهار و خاموش کردند. به گفته سخنگوی نیروی دریایی آمریکا، سه ملوان در اثر آتش سوزی مجروح شدند. ناو هواپیمابر آیزنهاور پس از استقرار در ناوگان پنجم ایالات متحده در ۸ ژانویه ۲۰۲۵ (۱۹ دی ۱۴۰۳)، به مدت ۱۶ ماه در کارخانه کشتی‌سازی عمومی نیروی دریایی مستقر در ویرجینیا پهلو گرفته است. این ناو پس از استقرار در ناوگان پنجم ایالات متحده در سال‌های ۲۰۲۳-۲۰۲۴، برای تعمیرات و نگهداری پس از استقرار به این کارخانه آمده است. نیروی دریایی در آن زمان اعلام کرد که این تعمیر و نگهداری که به صورت تدریجی و برنامه‌ریزی شده انجام می‌شود، قرار بود شامل کار جامع بر روی سیستم‌های رانش، قابلیت سکونت خدمه، سیستم‌های رزمی و قابلیت‌های پشتیبانی هوایی ناو هواپیمابر باشد. مشخص نیست که آیا این آتش سوزی، زمان تعمیر و نگهداری ناو هواپیمابر دوایت دی. آیزنهاور در کارخانه کشتی‌سازی نورفولک را بیشتر خواهد کرد یا خیر.



گزارش کوتاه

چین از رژیم اسرائیل دورتر می‌شود؛

مصائب انتصاب
یک مهره وفادار

روابط چین و رژیم اشغالگر قدس، در ۵ سال گذشته دستخوش فراز و فرودهای بسیاری بوده است. به رغم این تغییر و تحولات اما، عموم تحلیل‌گران برآنند که این روابط به تدریج در حال تیره‌تر و سست‌تر شدن است. در آخرین فقره از این تغییرات، سایت مدرن دیپلماسی به اثرانتخاب رئیس جدید موساد در رژیم اسرائیل و اثر سوء آن بر روابط با پکن پرداخته است.

بر اساس گزارش مدرن دیپلماسی، مهم‌ترین دغدغه چین، روابط اطلاعاتی و نظامی آینده رژیم اسرائیل و تایوان است که امکان دارد در دوران رئیس جدید موساد بیشتر تقویت شود «انتصاب رومن گوفمن» به عنوان رئیس جدید سازمان اطلاعاتی اسرائیل (موساد) در شرایطی صورت می‌گیرد که تنش‌ها میان پکن و تل‌آویو بالا گرفته است.

عوامل مختلفی می‌تواند باعث شود که چین فعالیت‌های موساد را در دوره ریاست او، به ویژه در ارتباط با مسئله تایوان، با احتیاط و دقت زیر نظر بگیرد. به طور مشخص، وزارت دفاع اسرائیل در حال کمک به همتای تایوانی خود برای توسعه سیستم دفاع موشکی «تی-دام» و یکپارچه‌سازی آن با سیستم «گنبد آهنین» اسرائیل است. سفارت چین در اسرائیل نیز با صدور هشدارهای شدیدالحنی به مقامات اسرائیلی درباره سفر به تایوان، این اقدامات را تهدیدی علیه منافع بنیادین چین دانسته است.

به باور این رسانه، مسئله دیگر نگرانی پکن از رویکرد تهاجمی رئیس جدید موساد برای التهاب آفرینی در خاورمیانه و ایران و دست‌کاری منافع پکن است «انتصاب گوفمن با روابط چین و ایران نیز گره خورده است. پکن هرگونه عملیات اطلاعاتی اسرائیل را که ممکن است تأسیسات ایران را هدف قرار دهد، به ویژه در دوره ریاست گوفمن، به دقت رصد می‌کند. چین به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران، نگران است که هرگونه بی‌ثباتی امنیتی در منطقه، منافع اقتصادی و مسیرهای تأمین انرژی این کشور را به خطر بیندازد».

مسئله دیگری که باعث می‌شود تا چین از این انتصاب ناخرسند باشد، اظهار نظر گوفمن مبنی بر پایان نیافتن جنگ علیه ایران است «این نگاه از موضع رسمی و ضمنی چین در اولویت دادن به ثبات منطقه‌ای نشأت می‌گیرد؛ ضمن آنکه محافل مربوطه در حوزه‌های اطلاعاتی، نظامی، دفاعی و امنیتی پکن به این درک رسیده‌اند که هرگونه تغییر در رهبری اطلاعاتی اسرائیل می‌تواند به تشدید تنش‌ها با ایران یعنی شریک راهبردی پکن منجر شود. این نگرانی به ویژه از آنجا نشأت می‌گیرد که رومن گوفمن بلافاصله پس از انتصابش به عنوان رئیس جدید موساد اعلام کرد که «مأموریت در تهران هنوز به پایان نرسیده است».

پس از ۴۵ روز ایستادگی حزب الله و محور مقاومت

آتش بس لبنان،
دستاورد میدان

در پی هفته‌ها درگیری در جنوب لبنان و افزایش فشارهای میدانی بر ارتش اسرائیل، سرانجام آتش بس در این جبهه برقرار شد؛ توافقی که در فضای پرتنش منطقه و تحت تأثیر توازن جدید قدرت در میدان شکل گرفت. بر اساس گزارش‌ها، نقش مقاومت لبنان به ویژه حزب الله در حفظ فشار نظامی و جلوگیری از پیشروی‌های بیشتر اسرائیل، در کنار مواضع بازمانده و هشدارهای صریح ایران نسبت به گسترش جنگ، از عوامل مؤثر در شکل‌گیری این آتش بس ارزیابی می‌شود.

دستاورد برای محور مقاومت و در مقابل، نشانه‌ای از ناکامی سیاسی و نظامی برای کابینه بنیامین نتانیاها ارزیابی می‌شود. توازن میدانی ایجاد شده در جنوب لبنان، بر روند تصمیم‌گیری‌های سیاسی اثرگذار بوده و مانع از تحقق اهداف نظامی اعلام شده از سوی اسرائیل شده است.

از سوی دیگر، در سطح بین‌المللی، نقش ایالات متحده نیز مورد توجه تحلیلگران قرار گرفته است. آمریکا تلاش دارد خود را به عنوان بازیگر اصلی در مدیریت بحران و هدایت روند دیپلماتیک معرفی کند، اما واقعیت میدانی جنگ و درگیری‌ها، نقش تعیین‌کننده‌تری در شکل‌دهی به مسیر دیپلماسی دارد. به عبارت دیگر، این میدان نبرد است که جهت مذاکرات و توافقات احتمالی را تعیین می‌کند، نه صرفاً ادعای ابتکارات دیپلماتیک قدرت‌های خارجی. فلذا حصول این نتیجه شیرین برای لبنان جز از طریق فداکاری‌های حزب الله و هشدار نظامی ایران رقم نمی‌خورد.

در همین فضا، حزب الله لبنان نیز اعلام کرده است که نیروهایش همچنان در وضعیت آماده‌باش قرار دارند و «دست‌رزمندگان روی ماشه» باقی خواهد ماند. همچنین تأکید شده که هرگونه اقدام یا کارشنکی از سوی طرف مقابل به طور دقیق تحت نظر قرار دارد و واکنش متناسب در صورت لزوم در دستور کار خواهد بود. ایران نیز به همین طریق فشار خود را بر رژیم صهیونیستی حفظ کرده است و هرگونه نقض آتش بس می‌تواند آتش گسترده‌ای را از حزب الله و ایران روانه سرزمین‌های اشغالی فلسطین کند.

ایفا کرده و در طول دوره‌ای حدود ۴۵ روز درگیری و تجاوز نظامی اسرائیل به مناطق مرزی و زیرساخت‌های لبنان، به مقاومت و مقابله نظامی ادامه داده است. این توان دفاعی و مثال‌زدنی حزب الله را به عنوان نمادی از ایستادگی باید توصیف کرد.

ایستادگی که همواره لبنان و مردمش را از بلعیده شدن توسط رژیم غاصب صهیونیستی بازداشته است و این سگ‌هار را کنترل می‌کند. همچنین گزارش‌هایی از صحنه‌های درگیری منتشر شده که در آن‌ها از جانفشانی نیروهای مقاومت و تداوم عملیات دفاعی در برابر حملات هوایی و زمینی سخن گفته شده است؛ نمونه آن محاصره بنت جبیل و صحنه عاشورایی مبارزه رزمندگان حزب الله بود که با مقاومت و ایستادگی از پیشروی رژیم صهیونیستی جلوگیری کردند.

جمهوری اسلامی ایران نیز از ابتدا تأکید داشته است که هرگونه توافق آتش بس در سطح منطقه‌ای باید به توقف کامل عملیات نظامی در لبنان و دیگر جبهه‌های مقاومت نیز منجر شود و صرفاً محدود به یک جبهه خاص نباشد. لذا اینطور می‌توان گفت که اعلام و تحقق یک آتش بس ده‌روزه در لبنان به عنوان نتیجه‌ای از فشار میدانی و پایداری مقاومت لبنان ارزیابی شده است. مقاومتی که باعث دستاورد در میدان برای مردم لبنان را رقم زد. دستیابی به آتش بس بدون عقب‌نشینی نیروهای مقاومت، از منظر راهبردی به عنوان یک



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

آتش بس
بدون عقب
نشینی
مقاومت

دستیابی به آتش بس بدون عقب‌نشینی نیروهای مقاومت، از منظر راهبردی به عنوان یک دستاورد برای محور مقاومت و در مقابل، نشانه‌ای از ناکامی سیاسی و نظامی برای کابینه بنیامین نتانیاها ارزیابی می‌شود.

در همین حال، مقاومت لبنان و به ویژه حزب الله نقش محوری در تحولات میدانی

از تنگه هرمز تا حق هسته‌ای؛ خطوط قرمزی که نباید در مذاکره گم شوند

تنگه قابل معامله نیست

بازگشایی تنگه هرمز برای کشتی‌های تجاری، همزمان با ادعاهای متناقض ترامپ درباره توافق با ایران، بار دیگر نبرد روایت‌ها را به صدر تحولات کشاند و سؤالات بسیاری را در آذهان مردم ایجاد کرد. در حالی که واشنگتن می‌کوشد ناکامی‌های خود را

در قالب یک پیروزی بازسازی کند، توثیت روز گذشته وزیر امور خارجه و تصمیم عجیب بازگشایی تنگه هرمز به خدمت رئیس جمهور شکست خورده آمریکا آمد و نگرانی‌های بسیاری را در جامعه ایجاد کرد.



حسین محمدپناه

روزنامه‌نگار

عصر روز جمعه، اعلام بازگشایی تنگه هرمز برای کشتی‌های تجاری از مسیرهای مشخص شده توسط ایران، به سرعت به یکی از محورهای اصلی تحولات رسانه‌ای و سیاسی تبدیل شد؛ تصمیمی که گفته می‌شود بر محدود بودن آن به شناورهای غیرنظامی تاکید دارد.

بازگشایی ولو محدود تنگه هرمز در حالی است که رهبر معظم انقلاب آیت‌الله‌عظمی خاتمی در اولین پیام خود در خصوص تنگه هرمز فرمودند: «خواست توده‌های مردم، ادامه دفاع موثر و پیشیمان کننده است. همچنین قطعاً همچنان از اهرم مسدود کردن تنگه هرمز باید استفاده شود.» بر این اساس ملت ایران پس از تحولات امروز به حق دچار نوعی سوال و همچنین ناراحتی و نگرانی شده اند که متأسفانه تا لحظه تنظیم این گزارش هیچ توضیحی از سوی مسئولان سیاسی و دستگاه سیاست خارجی منتشر نشده است. ترامپ در حالی شب گذشته درباره نزدیکی به توافق با ایران صحبت کرد که تلاش دارد تا شکست خود در جنگ ۴۰ روزه را در میدان دیپلماسی جبران کند. او می‌کوشد در خلأ روایت‌سازی از سوی ایران و به خصوص تیم مذاکره کننده، با برجسته‌سازی یک

«توافق ادعایی»، شکست‌های میدانی را به پیروزی رسانه‌ای تبدیل کند که اتفاقاً موضع عجیب وزیر امور خارجه به این تصویرسازی ترامپ به شدت کمک کرد. این در حالی است که فشارهای حداکثری، از جمله محاصره دریایی، نه تنها به عقب نشینی ایران منجر نشد، بلکه با تغییر موازنه به سود تهران، حتی رژیم صهیونیستی را به پذیرش آتش بس در لبنان سوق داد. در این چارچوب، دستاوردهای راهبردی ایران به ویژه حفظ ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصد و تثبیت حق غنی‌سازی و همچنین حفظ مدیریت تنگه هرمز به عنوان مهم‌ترین موانع در برابر سناریوهای تکراری آمریکا در کشورهای مانند لیبی و عراق تلقی می‌شود. به همین دلیل، ترامپ تلاش دارد با القای موافقت ایران، این مؤلفه‌ها را به عنوان امتیاز خود بازنمایی کند. این در حالی است که تثبیت حاکمیت ایران بر تنگه هرمز و ناکامی جنگ ۴۰ روزه در تضعیف توان موشکی، هسته‌ای و نفوذ منطقه‌ای ایران، عملاً به معنای شکست راهبردی آمریکا است.

در چنین شرایطی، هرگونه عقب‌نشینی از این دستاوردهای می‌تواند به ابزار بازسازی چهره ترامپ تبدیل شود؛ در حالی که فضای داخلی آمریکا و حتی اروپا نشان دهنده افزایش نارضایتی از سیاست‌های اوست. از

اعتراضات سیاسی و رسانه‌ای گرفته تا شکاف در کنگره، همگی حاکی از آن است که زمینه برای پذیرش شکست ترامپ فراهم‌تر از هرگونه پیروزی‌سازی مصنوعی است. ترامپ، این هیتلر آمریکا (لقبی که سالها پیش معاون امروری ونس به او داده بود)، نشان داده حتی به نزدیک‌ترین متحدانش هم وفادار نیست؛ چه برسد به توافق با ایران. تجربه ثابت کرده هر عقب‌نشینی، مقدمه فشار بعدی است. امروز ایران به نقطه امید بسیاری از ملت‌ها برای مهار ماشین جنگی آمریکا تبدیل شده و هر امتیازدهی، نه تنها منافع ملی را تضعیف می‌کند، بلکه راه را برای تکرار همین الگو علیه دیگر کشورها باز می‌گذارد و چه بسا پس از چند ماه دوباره جنگ را به ایران بازگرداند.

با این حال، یکی از عوامل نگران کننده، ضعف در روایت‌سازی داخلی و نبود مواضع شفاف رسانه‌ای است؛ خلأیی که موجب افزایش ابهام و نگرانی در افکار عمومی شده است. این وضعیت، ناخواسته می‌تواند به تقویت همان سناریوی مورد نظر ترامپ کمک کند؛ سناریویی که هدف آن، تبدیل یک شکست واقعی به پیروزی نمایشی است. در مجموع، باید مشخص شود که مسئولان کشور چه نسبتی با فرمان صریح رهبری برای مسدود ماندن تنگه هرمز دارند و در راستای اجرای آن تا چه ممارست و جدیت دارند.

یادداشت

باب‌المنذب تنگه‌ای که

معادلات آمریکا را برهم می‌زند

امیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

باب‌المنذب فقط یک تنگه باریک میان دریای سرخ و خلیج عدن نیست؛ این گذرگاه، یکی از حساس‌ترین شریان‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک جهان است که نبض تجارت جهانی در آن می‌تپد. براساس برآوردها، روزانه بین ۷ تا ۶ میلیون بشکه نفت از این مسیر عبور می‌کند و نزدیک به ۱۲ درصد تجارت دریایی جهان، به ویژه کالاهای استراتژیک، از این گلوگاه حیاتی می‌گذرد.

در چنین معادله‌ای، قرار گرفتن یمن در ضلعی از این تنگه، یک موقعیت ژئوپلیتیک استثنایی را رقم زده است. یمن امروز به واسطه حاکمیت نیروهای انقلابی و مردمی انصاری به یکی از تعیین‌کننده‌ترین بازیگران امنیت دریای سرخ تبدیل شده است. یمن به تعبیر دقیق، به یکی از تیزترین لبه‌های محور مقاومت در برابر ائتلاف صهیونی-آمریکایی بدل شده است.

تجربه جنگ ۵۱ روزه نیز گواهی روشن بر این واقعیت است. حملات سنگین و گسترده آمریکا علیه یمن در سال ۲۰۲۵، نه تنها توانست اراده این کشور را در هم بشکند، بلکه در روزهای پایانی، ورق به طور کامل برگشت. حملات موشکی و پهپادی یمن به ناوگان آمریکایی در دریای سرخ و خلیج عدن به حدی رسید که عملاً ابتکار عمل از دست واشنگتن خارج شد. نتیجه چه بود؟ اعترافی تلخ از سوی دونالد ترامپ به آتش بسی بی‌قید و شرط؛ آن هم بدون آنکه حتی حملات یمن به رژیم صهیونیستی در آن گنجانده شود. پس از آن نیز یمن نه تنها از مواضع خود عقب‌نشست، بلکه در تمامی تحولات بعدی (ز جنگ ۱۲ روزه گرفته تا جنگ جاری) با قدرت به حملات خود علیه اهداف صهیونیستی ادامه داد و نشان داد که معادلات جدید منطقه بدون در نظر گرفتن نقش صنعا، اساساً قابل فهم نیست.

در این میان، زمانی که آمریکا بحث محاصره دریایی ایران را مطرح کرد، نخستین واکنش جدی در میان تحلیلگران غربی نه از تنگه هرمز، بلکه از باب‌المنذب آغاز شد. آنان به صراحت هشدار دادند که این بازی می‌تواند به سرعت به ضد خود تبدیل شود. برگ برنده‌ای به نام باب‌المنذب در اختیار جبهه مقاومت است؛ برگ برنده‌ای که می‌تواند کل معادله را واژگون کند.

هشدارها حتی فراتر رفت. برخی تحلیل‌ها به توانایی یمن در هدف قرار دادن پایانه نفتی بنج، اشاره کردند؛ سناریویی که در صورت تحقق، عملاً مسیرهای جایگزین صادرات نفت را نیز مسدود کرده و جهان را در یک بن‌بست انرژی قرار می‌دهد. نشانه‌های این هراس نیز آشکار است. امتناع ناو هواپیمابر «جرج بوش» از عبور از دریای سرخ و انتخاب مسیر طولانی دور زدن قاره آفریقا، یک پیام روشن داشت: این عقب‌نشینی خاموش، معنایی جز پذیرش ریسک بالای تقابل با یمن ندارد.

واقعیت این است که اگر آمریکا بخواهد با ابزار محاصره دریایی ایران، فشار حداکثری را احیا کند، پاسخ آن می‌تواند در باب‌المنذب داده شود. بستن این گذرگاه، به معنای اعمال یک «محاصره بر محاصره» است؛ اقدامی که نه تنها فشار را به واشنگتن بازمی‌گرداند، بلکه اقتصاد جهانی را نیز به لرزه درمی‌آورد. در چنین شرایطی، آنچه خم خواهد شد ستون‌های سیاست‌های ماجراجویانه آمریکا خواهد بود.

دستاوردها، «برگ معامله» نیست

حق غنی‌سازی و کنترل تنگه هرمز، صرفاً ابزار چانه‌زنی نیستند، بلکه ستون‌های بازدارندگی و نماد ایستادگی یک ملت در برابر فشارهای خارجی‌اند. هرگونه عقب‌نشینی در این حوزه‌ها، نه تنها موازنه قدرت را برهم می‌زند، بلکه دشمن را برای تحمیل مطالبات بیشتر و تکرار سناریوهای پرهزینه در آینده جسورتر خواهد کرد.

سیاست خارجی

بلومبرگ: ایران با برنامه‌ریزی، اثر حملات آمریکا را محدود کرد

بر اساس ارزیابی‌های اطلاعاتی نظامی غربی، ایران با بهره‌گیری از برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده پیش از آغاز جنگ، توانسته تأثیر حملات آمریکا و رژیم اشغالگر را بر توان نظامی خود محدود کند. منابع آگاه به خبرگزاری «بلومبرگ» گفتند که ایران پیش از آغاز درگیری‌ها اقداماتی را برای مقابله با حملات احتمالی انجام داده بود که موجب شد از نابودی توانمندی‌های موشکی و پهپادی خود جلوگیری کند. این منابع همچنین اعلام کردند این برنامه‌ریزی‌ها به ایران کمک کرده تا در جریان درگیری‌ها، پاسخ نظامی خود را به گونه‌ای طراحی کند که بیشترین اثرگذاری را داشته باشد. به ادعای سرویس‌های اطلاعاتی غربی، گرچه ایران در این جنگ متحمل خسارت شده، اما همچنان توانایی پاسخ‌گویی نظامی را در اختیار دارد و در صورت شکست آتش بس، قادر به واکنش خواهد بود. آمریکا پس از عملیات نظامی علیه ایران برای تکمیل ذخایر سلاح‌های خود به سال‌ها زمان نیاز خواهد داشت.

در همین زمینه هیث کالینز، مدیر آژانس دفاع موشکی آمریکا، در جلسه استماع کمیته خدمات مسلح مجلس نمایندگان ایالات متحده گفت: «سالها طول خواهد کشید تا این مهمات دوباره پر شوند. ما هر روز در حال تولید سلاح برای تکمیل آنها هستیم، اما چندین سال طول خواهد کشید تا دوباره پر شوند.»

Bloomberg
NEWS

دوربین را از این جماعت بگیرید!

سعید قاسمی
روزنامه‌نگار

پس از آغاز تجاوز علیه ایران توسط محور صهیونی-آمریکایی، مردم بی‌درنگ به میدان آمدند؛ حضوری که بسیاری از توطئه‌ها را در نطفه خنثی کرد و نشان داد فاصله‌ای میان «خیابان» و «میدان نبرد» نیست. این تجمعات باشکوه که بیش از چهل شبانه روز ادامه یافته نشان داد که خیابان، امتداد همان میدان است؛ جایی که اراده جمعی، حتی بی‌سلاح، می‌تواند در معادلات اثر بگذارد. این حضور، بیش از هر چیز، بیانگر پیوندی زنده میان مردم و سرنوشت جمعی‌شان بود. اما درست در دل همین تجربه، برخی با بروز رفتاری عجیب سعی در بهره‌برداری از این تجمعات به نفع روایتی خاص، در صحنه حاضر شدند که بدعت خطرناک و نگران‌کننده‌ای را بنیان بگذارند.

این که گروهی دوربین به دست بگیرند و در میان جمعیت، به دنبال چهره‌هایی با پوشش متفاوت بگردند و از خلال گفت‌وگوهای جهت‌دار، نوعی آشفتگی نمایشی میان «ظاهر» و «وطن‌دوستی» بسازند، از یک سوءفهم عمیق خبری می‌دهد. انسان، در منطق فلسفی، کلیتی است که نمی‌توان او را به یک ساحت تقلیل داد. تقلیل او به ظاهرش، حتی اگر بانیث اثبات امری دیگر باشد، نوعی بی‌اعتنائی به همین کلیت است.

باید روشن گفت: این نوع پوشش، در چارچوب معیارهای اسلامی، پوشش مطلوبی نیست. اما این حکم، نافی حقیقت دیگری نیست؛ اینکه همین افراد، با همین ظاهر، در کنار دیگران ایستاده‌اند و در یک امر جمعی مشارکت کرده‌اند. این حضور، نه تنها قابل انکار نیست، بلکه نشانه‌ای از آن است که پیوند با «وطن» می‌تواند فراتر از برخی اختلافات ظاهری عمل کند. از این رو، نه قرار است کسی از این جمع رانده شود، و نه اساساً چنین طردی معقول است.

اما آنچه نگران‌کننده است، اصرار برخی بر تبدیل این امر به یک پروژه رسانه‌ای است؛ گویی از شب‌های نخست، مسابقه‌ای نانووشته آغاز شده برای یافتن این افراد و بازتولید مکرر تصویرشان. این دیگر روایت واقعیت نیست، بلکه نوعی مهندسی آن است. در این میان، آنچه به تدریج رخ می‌دهد، نه صرفاً بازنمایی یک واقعیت، بلکه عادی‌سازی و اعطای رسمیت به همان وضعیتی است که خود، آن را مسئله می‌داند.

رسانه، اگر در پی فهم است، باید فاصله خود را با واقعیت حفظ کند، نه آن که با تعقیب گزینشی سوزدها، در شکل‌دادن به آن دخالت کند. آنچه در خیابان رخ داد، وحدتی طبیعی بود؛ آن را نباید با اصرار بر برجسته‌سازی حاشیه‌ها، به امری مصنوعی بدل کرد.

چهار محور روایت مقاومت نامتقارن

فرصت‌ها را مثل جنگ دوازده روزه نسوزانیم

این حال تجربه جنگ دوازده روزه نشان داد که روابط در سینمای ایران بر اهداف انقلاب اسلامی اولویت دارند.

در جهانی که نتیجه جنگ‌ها تنها در میدان‌های جنگ سخت رقم نمی‌خورد، عرصه روایت، تصویر و حافظه جمعی اهمیت ویژه پیدا می‌کند. با



محمد قربانی

روزنامه‌نگار

با توجه به آثار مربوط به جنگ دوازده روزه در جشنواره فیلم فجر مشخص است که ارگان‌ها و سازمان‌های فیلمساز ما، صرفاً به رفع تکلیف و تولیدات ویتروینی و مناسبتی فکری می‌کنند. هدف هم صرفاً ارائه گزارشی به مقام‌های بالادستی است. نتیجه هم تولید آثار بی‌ارزش و ضعیفی است که نهایتاً یک بار قابل دیدن هستند و اندک نقش و جایگاهی در حافظه جمعی مردم پیدا نمی‌کنند. در این گزارش سعی بر ترسیم محورهای اصلی مضمونی است که اغلب در آثار سینمایی مربوط به دفاع ملی مغفول واقع می‌شوند.

مقاومت ملی و اسلامی مادر مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی، مقاومت نامتقارن است. این مسئله باید بیش از هر چیز دیگری مد نظر روابان جنگ باشد. مقومت نامتقارن به وضعیتی اشاره دارد که در آن، یک سوی درگیری از نظر نظامی، اقتصادی و رسانه‌ای در موقعیتی ضعیف‌تر قرار دارد، اما می‌کوشد از مسیرهای جایگزین، این نابرابری را جبران کند. سینما دقیقاً در همین نقطه وارد میدان می‌شود و به مثابه بخشی از راهبرد مقاومت عمل می‌کند. در چنین شرایطی، تصویر و روایت می‌توانند به اندازه سلاح، تعیین‌کننده باشند.

برای درک بهتر این مسئله، می‌توان بر چهار محور اصلی تمرکز کرد که به تصویر کردن مقاومت نامتقارن در سینما کمک می‌کنند. نخست، «تاب‌آوری» است. مفهومی که به توانایی استمرار زندگی و کنش در دل بحران اشاره دارد. سینمای مقاومت اغلب نه فقط صحنه‌های درگیری، بلکه زندگی روزمره، روابط انسانی و امید در دل ویرانی را به تصویر می‌کشد. این روایت‌ها نشان می‌دهند که مقاومت صرفاً در میدان نبرد شکل نمی‌گیرد، بلکه در تداوم زیست جمعی معنا پیدا می‌کند.

دومین محور، «عدم توازن قدرت» است. در بسیاری از

موارد، قدرت مسلط نه تنها ابزارهای نظامی، بلکه کنترل روایت و بازنمایی را نیز در اختیار دارد. سینمای مقاومت باید در تلاش باشد این انحصار را بشکند و روایت‌های بدیل را وارد میدان کند. روایت‌هایی که تجربه زیسته مردم عادی را بازتاب می‌دهند و ساختارهای معنایی مسلط را به چالش می‌کشند.

محور سوم، «انسانی‌سازی» است. در گفت‌وگوهای غالب، نیروهای مقاومت اغلب به صورت تهدیدی انتزاعی یا غیرانسانی تصویر می‌شوند. در مقابل، سینما می‌تواند با نزدیک شدن به چهره‌ها، احساسات و تجربه‌های فردی، این سوزدها را دوباره انسانی کند. این فرآیند نه فقط یک انتخاب زیبایی‌شناختی، بلکه کنشی سیاسی است که امکان همدلی و درک را فراهم می‌کند. و نهایتاً، «مشروعیت دفاع» محور اصلی دیگر است. در شرایطی که مقاومت گاه با خشونت همراه می‌شود، مسئله مشروعیت به نقطه‌ای حساس تبدیل می‌شود. سینما با روایت‌پردازی دقیق، می‌تواند نشان دهد که این کنش‌ها نه انتخابی دلخواه، بلکه پاسخی ناگزیر به شرایط تحمیل‌شده هستند. به این ترتیب، فیلم‌ها قادرند نوعی «مشروعیت دفاعی» تولید کنند.

در نهایت، سینمای مقاومت را نمی‌توان صرفاً در چارچوب هنر پاسرگرمی تحلیل کرد. این سینما بخشی از سیاست فرهنگی است. ابزاری برای بازسازی روایت ملی، تقویت حافظه جمعی و بازتعریف نسبت میان «خود» و «دیگری» است. در جهانی که جنگ روایت‌ها هر روز پرنرنگ‌تر می‌شود، اهمیت این نقش بیش از هر زمان دیگری به چشم می‌آید.

امروز وضعیت متفاوت از جنگ دوازده روزه است. دشمن با تمام قوا به میدان آمده و خون رهبر عزیز ما ریخته شده است. این اتفاقات باید ارگان‌ها و نهادها را بیدار کند و آنها را از وضعیت رخوت و رفع تکلیف خارج کند. مادامی که جنگ نرم را جدی نگیریم، پیروزی‌های جنگ‌های سخت ما تثبیت نمی‌شود.

تشیع و ایران را زیر ضرب بگیرد باید چراغ راه افراد دیگر باشد تا بدانند بدون بودجه و کار سازمانی هم می‌شود انقلابی بود و از اسلام دفاع کرد. به طوریکه اگر مقررات دست‌وپاگیر نهاد‌های رسمی بود، چاوشی اینگونه نمی‌توانست ارادتش به ایران و اسلام را در گوش دشمن فریاد بزند! به واسطه تجربه ارزشمند چاوشی ما باید یاد بگیریم که چگونه خارج از چهارچوب، انقلابی باشیم.



انتخاب محسن چاوشی به عنوان «چهره سال هنر انقلاب» بدون هیچ اما و آگری رخ داد؛ کنش چاوشی برخلاف بسیاری از مدعیان «اصالت» دارد و می‌داند که چه حرفی را در چه زمانی بیان کند که به درد حال روز جامعه‌اش بخورد. سوای این، شیعه زمان‌شناس است و می‌داند که چطور فارغ از دستوراتالعمال‌های موجود سازمانی آتش به اختیار عمل کند. چاوشی اگرچه ممکن است در نرم مورد تصور ما از «هنرمند انقلابی» دسته‌بندی نشود، اما به دلیل فهم قابل تاملش از مذهبی که به آن گرایش دارد علیه ظلم و آکنش نشان می‌دهد و وقع و اهمیتی هم برای تئوری «مارپیچ سکوت» قائل نمی‌شود. رویه این خواننده در مواجهه با خطراتی که ممکن است موجودیت

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز:

محسن منصوری

تلفن:

۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲

■ مدیرمسئول:

حمیدرضا بیانی

کدپستی:

۱۵۹۸۹۷۵۷۱۱

■ آدرس: خ سه‌بهید قزنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج

■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

n o b o n y a d o n l i n e . i r

فرهنگ

C U L T U R A L

■ شنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۷

یادداشت

چرا سینمای ایران به سوزده «نفت» اهمیت نمی‌دهد؟

ایمان عظیمی
روزنامه‌نگار

یکی از دلایل مطرح شدن آمریکا به عنوان قدرت برتر جهان پس از پایان جنگ بین‌الملل دوم، سوای امکان جغرافیا و تاکید بر ادوات دست‌نخورده نظامی در نسبت با دیگر نیروهای برنده در جنگ، استفاده از هوش اقتصادی بالا در کنار توسل به زور برای کنترل منابع کشورهای کمتر توسعه‌یافته بود.

آمریکایی‌ها برای رسیدن به جایگاه قدرتمندترین کشور دنیا در قرن بیستم، جریان انرژی، خاصه نفت را تحت کنترل خود درآوردند و شکلی از استعمار نورا را پدید آوردند، اما این تمام ماجرا نبود. آن‌ها پیش از آنکه قدرت خود، به عنوان یک برنده تمام‌عیار را به رخ طرف‌های پیروز و بازنده جنگ بکشند، تصویر سینمایی‌اش را در میان مخاطبان خودی و غیرخودی جا انداخته بودند. «سینما» نقطه کانونی بسیاری از جنگ‌هاست و می‌تواند در نبرد روایت‌ها، حرف‌های زیادی برای گفتن داشته باشد. هالیوود، صنعت را به وادی هنر کشاند و از آن استفاده ابزاری کرد؛ به طوریکه اهالی جنوب جهان، نقاط قوت خود را، ضعف تلقی کردند و علیه آن شوریدند.

برای نمونه، مردم عراق که آرزوی نابودی حزب بعث و صدام را داشتند، هیچ‌از حمله نظامی نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده ناراحت نشدند، چون ذهن آن‌ها با آثار هالیوودی، نظیر «دل‌تا فورس»، «رمبو» و... به تسخیر هالیوود درآمده بود؛ در مورد ایران هم این قضیه به شکل دیگری صدق می‌کند. یکی از اهداف حمله باند ترامپ به کشور ما کنترل بر منابع نفتی است؛ آمریکایی‌ها برای این منظور دست به تولید فیلم، مستند و رمان‌های زیادی در طول تاریخ زدند تا با صحنه‌های بر مسئله نفت، اقدامات خود در جهت به غارت بردن انرژی‌های تجدیدناپذیر را توجیه‌پذیر نشان دهند.

در حالیکه سینمای ایران حداقل در مدیوم سینمای داستانی - به جز فیلم «جنگ نفت‌کش‌ها» ساخته محمد بزرگ‌نیا - هیچ اقدام خاصی در مورد این ثروت خدادادی انجام نداده است! دلیل را باید در غربگرایی بودن مغزهای به اصطلاح متفکر سینمای ایران و اتکاء آن‌ها بر قبول روایت‌های آمریکایی جست‌وجو کرد. جریان مسلط روشنفکری در حال باجگیری از سینمای ما به دلیل صنعتی نبودن است و از منافع آمریکا و غرب پاسداری می‌کند، به همین دلیل است که تمایلی هم به ساخت «روایت پیروزی» در جنگ منابع ندارد.